

فرار از حقیقت

نگاهی به خرافات و خرافه گرایی...



نگاهی به خرافات و خرافه گرایی

فرار از حقیقت

بسیاری از انسان‌ها، بدون آگاهی و ناخودآگاه در بسیاری از عقاید و موهومات خرافه‌پرستی دخیل هستند.

در این باره کمی فکر کنید. آیا آخرین باری را که از نگاه کردن به گربه سیاه پرهیز کرده‌اید یا طالع خود را با دقت و اشتیاق خوانده‌اید، به یاد می‌آورید؟ همه اینها نمونه‌هایی از عقاید خرافی است که ما هر روز با آنها سر و کار داریم و برخی از صاحب‌نظران به آنها تفکرات جادویی می‌گویند. طی دهه‌های اخیر اعتقاد به خانه ارواح، سحر و جادو و جن و پری به شدت افزایش یافته است. آمارها نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از مردم، افرادی خرافاتی هستند؛ اما به راستی خرافه چیست و چرا مردم به آن جذب می‌شوند؟

در لغت‌نامه دهخدا معنی لغوی خرافات سخنان پریشان و نامربوط است. این کلمه جمع خرافه به معنی چیده شدن میوه و نام مردی پریزاد از قبیله عذره است که مردم سخنان او را باور نداشتند و معتقد بودند که دائماً هذیان می‌گوید. کلمه خرافات همواره با زمینه سیاسی و اجتماعی هر کشور پیوند دارد، به همین جهت ارائه تعریف دقیق از آن به سختی امکان‌پذیر است.

خرافه را هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس تعریف کرده‌اند. حقوق‌دانان نیز برای تمایز قائل شدن بین خرافات از دیگر باورها به مفهوم انسان معقول متوسل می‌شوند و بر این اساس خرافه را چنین تعریف می‌کنند: هر عقیده و عملی که آدم‌های معقول و تحصیل کرده آن را خرافی می‌شناسند.

قرآن کریم، از خرافات با عنوان اساطیر یاد کرده است. اساطیر به معنای اباطیل و سخنان بیهوده‌ای است که هیچ پایه و اساسی ندارند و مراد از اساطیر نوشته‌های باطل، حکایت‌های دروغ و افسانه‌های بی‌اساس است. آیات قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف از «خرافات» با عنوان «اساطیر» یاد کرده چنان‌که می‌فرماید: ... و کافران می‌گویند اینها افسانه‌های پیشینیان است. در جایی دیگر می‌فرماید: این وعده‌هایی است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده، اینها همان افسانه‌های خرافی پیشینیان است.

منشأ خرافات

اگر خرافات حاصل اشتباه در ادراک، حافظه یا قضاوت باشد اصلاح آنها باید کار ساده‌ای باشد. یا اگر خرافات ناشی از فشارهای اجتماعی باشد باید با از بین رفتن این فشارها، خرافات نیز از بین بروند، اما واقعیت این است که مردم به سختی دست از افکار خرافی برمی‌دارند و سرسختانه به آنها چسبیده‌اند؛ به همین جهت احتمال می‌رود خرافات، ریشه در درون شخصیت افراد داشته باشد. اسپینوزا درباره خرافات و عدم قطعیت می‌نویسد: اگر آدمیان قواعد مشخصی برای اداره امور زندگی خود در اختیار داشتند یا بخت همیشه با آنها یار بود، هرگز به خرافات روی نمی‌آوردند. اما چون اغلب به مشکلات برمی‌خورند که قواعد موجود پاسخگوی آنها نیست، بین ترس و امید سرگردان شده و سخت زودباور می‌شوند.

حال به بحث درباره علل ایجاد خرافات می‌پردازیم:

از نظر قرآن: خداوند در آیه 168 سوره بقره به همه مردم (اعم از مسلمان‌ها و غیرمسلمان‌ها) فرموده و می‌گوید: ... و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. با توجه به اینکه قرآن کتاب درس زندگی است و برای کمال و سعادت بشر نازل شده، از این رو با اموری که غیرواقعی، خیالی و خرافی است مبارزه می‌کند. به‌طور نمونه احترام، عبادت و تقدیس چوب و سنگ‌هایی که به‌عنوان بت شناخته شده و محور زندگی و اثرگذار دانسته می‌شدند، تماماً براساس خرافات به‌وجود آمده بودند و به همین دلیل پیامبران با اینگونه امور مبارزه می‌کردند و به مردم اجازه نمی‌دادند که معبود خویش را بت‌ها قرار دهند.

از نظر روانشناسان: خرافات در مواقع حساس و لحظه‌های عدم اطمینان و اعتماد بر آینده به‌وجود می‌آید؛ مثلاً در ارتباط با مسائلی چون تولد، مرگ، مرض و ... تا از این طریق از اضطراب و تشویش رها شده تسکین خاطری یابند. جادو و جنبل و گرفتن ورد برای علاج بیماران وسیله‌ای است برای تسکین و احساس آرامش. در علم روانشناسی، افراد معتقد به خرافات دچار اختلالات وسواسی هستند که اصطلاح علمی آن اختلال وسواس اجبار یا OCD است. برای چنین افراد وسواسی‌ای، عادت به انجام برخی اعمال خاص

باعث ایجاد اختلال در زندگی روزمره می‌شود؛ افرادی که به OCD و اختلالات رفتاری وسواسی مبتلا هستند، گمان می‌کنند اگر از یکی از این عادات اشتباه خود دست بردارند، اتفاقی برای آنان خواهد افتاد و هر اتفاق بد و ناگواری را به‌گونه‌ای به آن ربط می‌دهند. دکتر پل فاکسمن، معتقد است که بیشتر بیماران درباره چیزی نگران هستند و معتقدند اگر نگران نباشند احتمال وقوع آن اتفاق بیشتر می‌شود و این نوعی خرافات است.

اقسام خرافات

گروهی اعتقاد دارند که در تاریخ فرهنگ بشری، خرافه‌پرستی، تاکنون جلوه‌های متنوع و فراوانی داشته و از حد شمار خارج است. شاید بتوان آنها را از لحاظ اقبال فردی و جمعی اشخاص یا از لحاظ زبان‌هایی که به‌طور انفرادی یا اجتماعی برای بشر داشته‌اند، به 3 نوع ذیل تقسیم کرد:

خرافاتی که جنبه فردی و عوام‌پسندانه دارد: اینگونه خرافات، عقایدی واهی را در بر می‌گیرد که افراد یا اقلیت‌های خاص در یک جامعه به آن معتقد هستند و طبعاً زبان رفتارهای ناهنجار و نگرانی‌های برخاسته از آنها، ضمن آنکه مستقیماً به‌خود آن اشخاص خرافه‌پرست می‌رسد، به‌طور غیرمستقیم دامن اجتماع آنها را نیز می‌گیرد.

خرافاتی که جنبه اجتماعی و سیاسی دارد: مقصود از خرافات اجتماعی، افکار موهوم و علایق و احساسات غیرمنطقی است که اکثریت جامعه به آنها معتقد و پایبند می‌شوند و گاه آنگونه از آنها هواداری می‌کنند که برای حفظ و بقایشان حاضرند جان و مال خویش را فدا سازند. زبان اینگونه پندارها که غالباً به‌صورت آرمان‌های ملی یا شبه دینی جلوه‌گر می‌شود عمومی است؛ بت‌پرستی و مکتب‌های اعتقادی از اینگونه است.

خرافات سیاسی نیز شامل اندیشه‌های عوام‌فریبانه و منحطی است که گروه‌های افراطی یا احزاب خاص و سیاستمداران خودخواه قدرت‌طلب برای ارضای حس برتری‌طلبی خویش از آن سود می‌جویند و با تحریک عواطف به‌ظاهر مقدس اقوام و طوایف، نظیر دفاع از ملیت و آب و خاک یا با توجیه فرضیه‌های شبه علمی چون برتری بیولوژیک نژادها به مقاصد توسعه‌طلبانه خود جامه عمل می‌پوشانند.

دلایل علاقه به خرافات

هنگامی که خرافه را به درستی درک کنیم، آگاه می‌شویم که هرگز به حقیقت منجر نخواهد شد. باور داشتن به هر سخن غیرمنطقی، در بهترین حالت یک اشتباه است، اما در بدترین حالت به اعمال و انتخاب‌هایی منجر می‌شود که نتایج بدی را برای فرد به بار می‌آورد و درنهایت ویرانی درونی فرد را در پی خواهد داشت. تقریباً غیرقابل باور است که افراد بتوانند به کارهایی که انجام می‌دهند، اعتقاد حقیقی و درونی داشته باشند. چه چیزی سبب می‌شود تا افراد خرافه را بر حقیقت ترجیح دهند؟ این چه انگیزه‌ای است که افراد در همه جای دنیا ترجیح می‌دهند سخنانی را باور کنند که واقعاً غیرقابل باور هستند؟ مقاله حقیقت و خرافه در این باره چنین می‌گوید: مردم معمولاً از حقیقت متنفر هستند، فقط به این دلیل که آنها حقیقت را خشن، بیرحم، طاقت‌فرسا و مقاوم می‌دانند. آن حقیقتی که مردم آرزویش را دارند و به‌دنبال آن می‌دوند، حقیقتی است که انعطاف‌پذیر، مهربان، بخشنده و سهل‌انگار باشد. مردم، از اساس، از حقیقت متنفر هستند، از اینکه باید برای گذران زندگی همیشه سخت کار کنند متنفر هستند، از ضرورت یاد گرفتن زیاد متنفر هستند، از اینکه هیچ‌گاه نمی‌توانند براساس خیالات و شهوات خود، کار و برنامه‌ریزی کنند متنفر هستند و از اینکه می‌دانند نمی‌توانند کاری را اشتباه انجام داده و سپس رهایش کنند، متنفر هستند و از اینکه نمی‌توانند به خاطر هیچ، کاری را انجام دهند، از حقیقت متنفر هستند.

آن چیزی که مردم می‌خواهند، رهایی از نتایج است. آنها به‌دنبال میانبری برای به‌دست‌آوردن موفقیت، ثروت، خوشحالی یا هر چیز دیگری هستند که خیالات و آرزوهای آنها، آن را می‌خواهد. عقل این راه را به آنها نشان نمی‌دهد. عقل تنها آنها را قادر می‌سازد تا حقیقت را درک کرده و براساس آن عمل کنند. اما مردم، حقیقت را نمی‌خواهند. حقیقت، آنها را به خاطر تنفر از واقعیت، سرزنش کرده و محکوم می‌کند. مردم از حقیقت متنفر هستند.

در نهایت، در این رابطه رازی وجود دارد؛ این راز که چرا تقریباً تمام مردم خرافه را به حقیقت ترجیح می‌دهند؟ در قلب تمام اعتقادات خرافی که گاهی اوقات آشکار است، اما اغلب اوقات پنهان، قولی وجود دارد که می‌گوید چیزی بیش از حقیقت وجود دارد، چیزی برتر از حقیقت، چیزی که نیاز به حقیقت را از بین می‌برد؛ رازی که افرادی را که آن را می‌دانند قادر می‌سازد تا از حقیقت محض فراتر روند، آن را رد کرده و در نهایت رهایش کنند. خرافه عصایی جادویی است که چیزی را ظاهر می‌کند که در واقعیت نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ خرافه، کارتی ماوراءالطبیعی است که فرد را یک شبه و خیالی برنده میلیون می‌کند.

خرافه دوست است یا دشمن؟

احساس امنیت و اعتماد به نفس، یکی از پیامدهای خوب اعتقاد به برخی عقاید این‌چنینی (البته در حد معقول) است؛ مثلاً برخی افراد معتقدند اگر فلان لباس را بپوشند، یا فلان شیء خاص را با خود حمل کنند، برایشان خوش شانس و موفقیت به همراه می‌آورد و همین حس به آنها اعتماد به نفس کاذب می‌دهد.

دکتر فاکسمن معتقد است که گاهی خرافات و اعتقادات خرافی مایه دلخوشی انسان‌ها هستند؛ به این معنی که فکر می‌کنید یک نیروی غیبی به شما کمک می‌کند. شاید واقعاً هم همین‌طور باشد. پشت اعتقادات انسان‌ها، نیروی شگرفی پنهان است. تأثیرات روانشناسی بر رفتارها و عقاید خرافی بسیار واضح و مشخص است؛ مثلاً آیا تا به حال برای شما پیش آمده که احساس کنید یک لباس یا شیء خاص برای شما خوش‌شانسی می‌آورد؟ در این صورت شما با پوشیدن آن لباس یا همراه داشتن آن شیء خاص افکار مثبت را در ذهن خود ارتقا می‌دهید و از تنش و نگرانی دور می‌شوید؛ اما ناگفته نماند که گاهی این طرز فکرها سد راهی برای عملکرد مناسب شماست. عقاید خرافی می‌توانند نقش منفی هم در زندگی ما داشته باشند، به‌خصوص اگر با عادت‌های نادرستی مانند شرط‌بندی توأم باشند. بسیاری از افرادی که به شرط بندی و خرافات مرتبط با آن عادت کرده‌اند، در زندگی خود با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند.

محققان معتقدند که ترس از خرافات، زندگی برخی افراد را مختل می‌کند و باعث تنش‌های بسیاری می‌شود؛ مثلاً عدد 13 و نحسی آن برای برخی افراد واقعاً دردسرساز شده است. خطر خرافه، شباهتی به خطری که ناآگاهی می‌تواند ایجاد کند، ندارد. ناآگاهی می‌تواند خطرناک باشد، اما قابل اصلاح است. ولی این اصلاح در مورد خرافه صدق نمی‌کند. افراد ناآگاه، ناآگاهی را انتخاب نمی‌کنند، اما افراد خرافه‌پرست، از روی آگاهی و به عمد، اعتقادات خرافی را پذیرفته‌اند؛ ناآگاهی آنها عمدی است.

گاهی اوقات، فرد برای پذیرفتن یک عقیده خرافی، باید به عمد اعتقادی را به‌عنوان حقیقت در آغوش بکشد که به خوبی می‌داند خرافه‌ای بیش نیست. این عقاید خرافی نه‌تنها فرد را به تباهی می‌کشاند، بلکه نهادینه شدن اینگونه عقاید در جامعه، می‌تواند آن جامعه را از لحاظ ارزش‌های فرهنگی به ورطه نابودی بکشاند.